

گفت‌وگوی روزنامه صبا با دو چهره پرداز سینما و تلویزیون

خدا حافظ مرد هزار نقش

سمیرا جعفری
گفت‌وگو

اکبر عبدی تنها صاحب استعداد در بازیگری نبود؛ او با شناخت عمیق از شخصیت‌ها و همراهی با طراحان چهره‌پردازی، از گریم به عنوان مسیری برای رسیدن به نقش استفاده می‌کرد. چهره‌های متفاوتی که در طول سال‌ها از او بر پرده سینما و قاب تلویزیون ماندگار شد، حاصل ترکیب توانایی بازیگری، جسارت در پذیرش نقش‌های تازه و اعتماد او به هنر گریم بود. ایمان امیدواری و شهرام خلج، دو طراح چهره‌پردازی که تجربه همکاری با این هنرمند را داشته‌اند، در گفت‌وگو با روزنامه صبا از بازیگری می‌گویند که گریم را نه یک تغییر ظاهری، بلکه بخشی از فرآیند خلق شخصیت می‌دانست؛ بازیگری که با هر چهره تازه، مخاطب را با دنیایی تازه همراه می‌کرد. خدا حافظ مرد هزار نقش.

ایمان امیدواری طراح گریم «خوابم می‌آد»
اکبر عبدی عاشق گریم بود

ایمان امیدواری، طراح گریم سینما که همکاری‌اش با اکبر عبدی از اواخر دهه ۷۰ و فیلم «زیر بازارچه» آغاز شد و بعدها در فیلم «خوابم می‌آد» به کارگردانی رضا عطاران، یکی از ماندگارترین چهره‌های این بازیگر را خلق کرد، معتقد است عبدی بیش از هر بازیگر دیگری به فرآیند گریم ایمان داشت. او در گفت‌وگو با روزنامه صبا از بازیگری می‌گوید که پیش از امضای قرارداد، ابتدا می‌خواست مطمئن شود شخصیتش برای مخاطب باورپذیر است و تا آخرین لحظه نیز با صبوری و وسواس، خود را در اختیار گریم قرار می‌داد.

امیدواری با اشاره به علاقه و اعتماد کم‌نظیر اکبر عبدی به طراح چهره‌پردازی، او را یکی از معدود بازیگرانی می‌داند که بدون هیچ محدودیتی، خود را در اختیار طراح چهره‌پردازی قرار می‌داد.

ایمان امیدواری، با مرور خاطره‌ای از همکاری‌اش در فیلم «خوابم می‌آد» به کارگردانی رضا عطاران گفت: آقای عبدی از آن بازیگرانی بود که واقعاً عاشق گریم بود. شاید بتوانم بگویم صددرصد خودش را در اختیار گریم قرار می‌داد. خاطرم هست زمانی که قرار بود در فیلم «خوابم می‌آد» نقش پیرزن را بازی کند، قبل از اینکه قراردادش را امضا کند، گفت «اول می‌خواهم ببینم این چهره چقدر قابل باور از آب درمی‌آید؛ اگر مطمئن شدم، بعد قرارداد می‌بندم.» او حتی برای اینکه به باورپذیری گریم خود ایمان بیاورد با همان گریم به خیابان می‌رفت تا عکس‌العمل مردم را ببیند.

او توضیح داد: گریم این نقش بسیار سنگین بود. طبیعی بود که بارها مجبور شویم تست بگیریم، تغییر ایجاد کنیم و دوباره همه چیز را از نو بررسی کنیم، اما چیزی که همیشه برای من شگفت‌انگیز بود، صبوری مثال‌زدنی آقای عبدی بود. حتی یک بار هم ندیدم اعتراضی کند یا از طولانی شدن کار گلایه‌ای داشته باشد.

این طراح گریم ادامه داد: عبدی گاهی بیش از دو ساعت بی‌حرکت روی صندلی گریم می‌نشست و کوچک‌ترین نشانی از خستگی یا بی‌حوصلگی بروز نمی‌داد؛ رفتاری که کمتر در میان بازیگران دیده می‌شود.

او همچنین به دقت و وسواس این بازیگر پس از پایان گریم اشاره کرد و افزود: وقتی گریم کامل می‌شد و لباس شخصیت را می‌پوشید، ترجیح می‌داد سرپا بایستد تا مبادا لباس یا گریم آسیب ببیند. نه روی صندلی می‌نشست و نه دراز می‌کشید. این میزان احترام به نتیجه کار، برای من همیشه تحسین‌برانگیز بود.

امیدواری در ادامه، از درگذشت اکبر عبدی با اندوه یاد کرد و بیان داشت: هنوز باور این اتفاق برایم دشوار است. وقتی خبر درگذشتش را شنیدم، احساس کردم انگار تکه‌ای از بدنم جدا شده است. این فقط از دست دادن یک بازیگر نبود؛ از دست دادن دوستی بود که سال‌های زیادی در کنار هم کار کرده بودیم.

این طراح گریم معتقد است سینمای ایران امروز جایگزینی برای

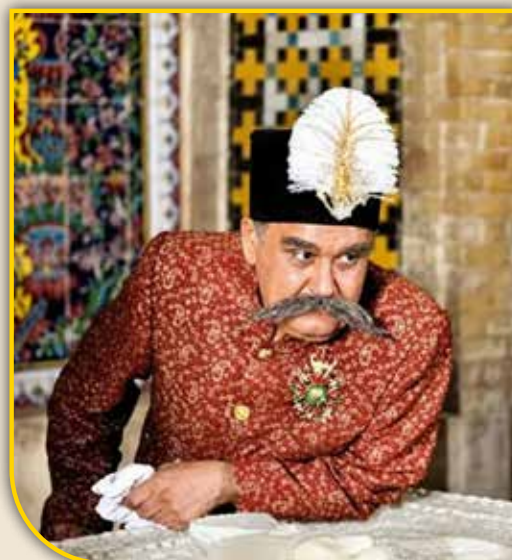
اکبر عبدی ندارد و ادامه داد: اگر دوباره بخواهیم چنین نقش‌هایی را در سینمای ایران ببینیم، واقعاً نمی‌دانم چه کسی می‌تواند آن‌ها را با همان کیفیت و همان جسارت اجرا کند. این نسل از پیشکسوتان تکرارنشده هستند و هر کدام که از میان ما می‌روند، بخشی از حافظه و هویت سینمای ایران هم با آن‌ها از دست می‌رود.

شهرام خلج، طراح چهره‌پردازی سینما و تلویزیون:
اکبر عبدی گریم را زندگی می‌کرد

شهرام خلج، طراح چهره‌پردازی سینما و تلویزیون که در آثاری چون «مظفرنامه»، «در مدت معلوم»، «اخراجی‌ها» و چند پروژه دیگر با اکبر عبدی همکاری داشته است، معتقد است راز ماندگاری چهره‌های متفاوت این بازیگر، صرفاً در گریم‌پذیر بودن صورتش خلاصه نمی‌شد؛ بلکه درک عمیق او از شخصیت و اعتمادی که به طراح گریم داشت، باعث می‌شد هر چهره‌ای برای مخاطب باورپذیر شود. خلج می‌گوید آنچه از اکبر عبدی در سینمای ایران باقی مانده، یک «سبک» نیست، بلکه «اثر انگشتی» است که هرگز تکرار نخواهد شد...

خلج با اشاره به تجربه همکاری با اکبر عبدی گفت: آنچه بیش از هر چیز در کار با او جلب توجه می‌کرد، درک بالایش از فرآیند گریم بود؛ ویژگی‌ای که باعث می‌شد شخصیت، پیش از آنکه مقابل دوربین جان بگیرد، در ذهن بازیگر شکل گرفته باشد.

او توضیح داد: آقای عبدی درک فوق‌العاده‌ای از گریم داشت. هر تغییری که روی چهره‌اش ایجاد می‌کردیم، دقیقاً خودش را در همان قالب قرار می‌داد و شخصیت را زندگی می‌کرد. بخش عمده‌ای از مهم‌ترین



همکاری‌های ایشان با استاد عبدالله اسکندری بود و آن هماهنگی مثال‌زدنی میان بازیگر و طراح گریم، بعدها هم در تمام همکاری‌هایش ادامه پیدا کرد. وقتی با ما هم کار می‌کرد، کاملاً می‌دانست قرار است چه اتفاقی بیفتد و خودش را با همان مسیر هماهنگ می‌کرد.

خلج اظهار کرد: قبل از هر کاری به اتفاق هم باید ساعت‌ها به ابعاد صورت، فرم چهره، شخصیت، حساسیت‌ها و جزئیات مختلف فکر می‌کردیم تا به یک طراحی درست برسیم. بعد از آن بود که نتیجه روی صورت ایشان می‌نشست.

خلج یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حرفه‌ای اکبر عبدی را آرامشی می‌داند که به گروه گریم منتقل می‌کرد و ادامه داد: این آرامش واقعاً خیلی به ما کمک می‌کرد. آن‌قدر آرامش داشت که گریم‌ور با خیال راحت کارش را انجام می‌داد. گذشته از شوخی‌ها و شیرین‌زبانی‌هایی که همیشه سر صحنه داشت، هیچ‌وقت استرس را به گروه منتقل نمی‌کرد. وی افزود: اعتماد کامل عبدی به طراح گریم نیز یکی دیگر از ویژگی‌های مهم این بازیگر بود. ما در هفت، هشت پروژه با هم کار کردیم و در تمام این سال‌ها، کاملاً به من اعتماد داشت. البته گریم‌ورهایش را می‌شناخت، اما وقتی همکاری شکل می‌گرفت، دیگر با خیال راحت خودش را به دست گروه می‌سپرد و این اعتماد، کار را برای ما بسیار آسان‌تر می‌کرد.

خلج در ادامه بیان کرد: یکی از خاطره‌انگیزترین همکاری‌هایم با اکبر عبدی در سریال «مظفرنامه» به کارگردانی محمدرضا ورزی بود؛ تجربه‌ای که برخلاف روال معمول، بدون تست اولیه انجام شد.

وی ادامه داد: قرار بود ابتدا تست گریم بگیریم، اما فرصت این کار فراهم نشد. آقای عبدی آمد، روی صندلی نشست و همان لحظه گریم را اجرا کردیم. بعد هم مستقیم مقابل دوربین رفت. نتیجه آن‌قدر خوب و باورپذیر از آب درآمد که هم خودمان راضی بودیم و هم خود آقای عبدی از آن چهره خیلی خوشش آمده بود.

خلج با اشاره به پروژه‌های تاریخی که با اکبر عبدی همکاری کرده است، از «مظفرنامه» به عنوان یکی از دشوارترین تجربه‌های مشترکشان یاد کرد و اظهار کرد: گریم‌های تاریخی همیشه پیچیدگی‌های بیشتری دارند و آن پروژه از سخت‌ترین همکاری‌های ما بود. البته در فیلم «در مدت نامعلوم» هم کنار هم بودیم و اگرچه گریم آن‌قدر سنگین نبود، اما نقش بسیار خوبی از آب درآمد و به دل مخاطب نشست.

خلج در پایان، با اشاره به اینکه بسیاری معتقدند با درگذشت اکبر عبدی یک شیوه بازیگری نیز از سینمای ایران رخت بر بسته است، نگاه متفاوتی به این موضوع دارد و اذعان کرد: من نمی‌گویم با رفتن آقای عبدی یک سبک بازیگری از بین رفت، چون سبک را می‌شود یاد گرفت و ادامه داد. اما آنچه آقای عبدی داشت، سبک نبود؛ بلکه یک اثر انگشت بود. همان‌طور که اثر انگشت هیچ دوا انسانی شبیه هم نیست، امضای بازیگری اکبر عبدی هم تکرارشدنی نیست. واقعاً حیف شد؛ آثاری که از او در سینمای ایران باقی مانده، دیگر قابل تکرار نیست.